

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند
کاملاً غیراصولی باشد<

بخش دوازدهم

دعوت به مجادله

امیر فیض- حقوقدان

وجه مشترک کسانی که درصاف مقدم نامه هشدار قرار گرفته اند از جمله آقای امید دانا و خانم شهلا ممتاز ورکسانا گنجی، هومر آبرامیان و امیرابراهیمی اصرار در اصرار دارند که شاهزاده (بقول آنها) بیاید و جواب بدهد و شرط آنها برای پایان یافتن این ماجرا متوجه دوامراست >این کارتها یک جور تمام میشود که شاهزاده بیاید در تلویزیون جواب بدهد و بگوید اشتباه کردم< و معذرت بخواهد.

به اوج غرور نگاه کنید.

در بین حضرات نامبرده، آقای امید دانا خودش را در مقام و موقعیتی می بیند که میگوید: >من علاقه ای ندارم که با شاهزاده گفتگویی داشته باشم<.

اظهارات امید دانا مرایاد یک داستان تاریخی انداخت که حاکم پرغرور و متکبری حاضر نبود که تسلیم شدگان را برای پابوسی و پوزش خواهی بپذیرد و میگفت بروند اصطبل و پای اسبم را ببوسند.

شما آقای امید دانا اینجا که اصطبل و اسب ندارید، اعلیحضرت نماد ملی ایران باید کجا را ببوسند تا حضرتعالی راضی بشوید؟

آدمهای متکبر و خودخواه خودشان نمیفهمند که به چه منجلابی افتاده اند ناظرین هستند که فنای آنها را می بینند.

حکم، نه باز حوئی

از اعلیحضرت پرسشی نشده که ایشان بیاید و جواب بدهد؛ حکمی علیه ایشان بوسیله افرادی بریاست امید دانا صادر شده که متضمن محکومت اعلیحضرت بر تعدی و تجاوز و باد دان استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است و مجازات آنها در همان حکم تعیین شده است؛ بعد از این حکم که مستتر در نامه هشدار است نه جواب دادن موثر در حکم است و نه معذرت خواهی و نه ابراز ندامت و در نهایت نه برانست.

فراموش نکنید که اتهامات ملی مانند خیانت به وطن آنطور که این حضرات مدعی هستند با معذرت خواهی از بین رفتنی نیست.

عذر خواهی

حضرات که خواهان عذرخواهی اعلیحضرت شده اند میدانند که عذرخواهی که عذرخواه، ازصمیم قلب و با آزادی اراده و قصد کامل درمقام عذرخواهی برنیاید، عذرخواهی نیست، لذا عذرخواهی که حضرات خواهان آند، عذرخواهی محسوب نمیشود و به معنای تحمیل خفت قبل از مجازات و تائید حکم ازسوی محکوم است. که در رژیم اسلامی هم مرسوم است.

یکی دیگر از ارکان عذرخواهی این است که عذر خواه مطمئن باشد که عذر خواهی او سبب تعدی و سوء استفاده طرف نمیشود که گفته اند: <دشمن به ملاطفت و عذرخواهی دوست نگردد بلکه طمع زیادت کند.>

هرچیزی قابل عذر خواهی نیست، نادیده گرفتن مسائل اخلاقی ناشی از حقوق فردی ممکن است قابل عذرخواهی باشد ولی تعرض به حقوق عمومی و از جمله نظیر **اتهاماتی که به اعلیحضرت درنامه هشدار داده شده** به هیچوجه از جانب متهم هرکه باشد قابل عذرخواهی نیست یعنی عذرخواهی موثر در اجرای مجازات نیست.

خانم شهلا ممتاز احدی از تائید کنندگان و امضا کننده های نامه، مدعی است که اعلیحضرت باید بیاید و از ملت عذر خواهی کند. ^۱ آنقدر حضرات خودشان را گم کرده اند که خودشانرا نماینده ملت میدانند. ۵۰ نفر (تن نه) با نام مستعار که معلوم هم نیست چند نفر اصالت نامی دارند و چند نفرواقعا از آن نامه درک معنا کرده اند، شدند نماینده ملت؟

فلان به شقیقه چکار دارد خانم ممتاز؟

اثر مهم عذر خواهی

اثر مهم عذرخواهی که حضرات اصرار در انجام آن دارند این است که عذرخواه مسئولیت های ناشیه از مورد عذرخواهی را می یزیرد و در تطبیق مورد، عذرخواهی اعلیحضرت به معنای قبول تمام اتهامات متوجه ایشان (بر باد دادن استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی) میباشد. نمونه اش همین عذرخواهی سعید مرتضوی و مقاومت کروی و موسوی در عذرخواهی است که سبب رفع حصر از آنها میشود.

۱ - هومر آبرامیان یکی از امضا کننده ها رندانه نوشته است: ((بباور من هنوز هم دیر نشده است، شاپور رضا پهلوی هم اکنون هم می توانند برای از میان بردن اینگونه تنشهای نا خوشایند (که پیاپی جز شکاف بیشتر در میان هواداران نخواهد داشت) واکنشی در خور از خود نشان دهند، اگر نویسندگان و دستینه کنندگان آن بیانیه را شایسته ی همگویی نمی دانند دستکم به «مردم» خود پاسخ دهند.)) - پاسخ چه پرسشی را بدهند - ایشان را متهم کرده اند و پرسشی هم نبوده - ح-ک

اصرار در پاسخ اعلیحضرت

آقای امید دانا اصرار دارد که اعلیحضرت شخصا بیایند و جواب بدهند.

تائید کنندگان نامه هشدارمقامی نیستند که ایجاد الزامی برای افراد بکنند اینگونه تراوشات ذهنی از آثار بیماری خود بزرگ بینی است، همانطور که افراد حق آزادی بیان دارند حق هم دارند که پاسخگو باشند یا نباشند. انسان ها حتی در مقابل دادگاه هم الزام به پاسخگویی ندارند. این چه دیوانگی و باد غرور است در این حضرات، که همه خطوط اخلاقی را میخواد بشکنند.

انحصار جواب

در نهایت حیرت، دیدم که یکی از حضرات گفته است خود شاهزاده باید بیاید و جواب بدهد. خیر چنین نیست. موضوعی که در نامه هشدار مطرح شده موضوع عام است و هرکس حق دارد وارد موضوع شده و از نامه دفاع و یا به مخالفت آن اقدام کند. هم اکنون آقای شهرام همایون و کسانی که در تنظیم و یا تائید نامه هشدار دخالتی نداشته سخت از آن نامه دفاع میکنند چرا نباید متقابلا جایگاهی برای تنقید و محکوم کردن آن نامه بوجود بیاید >سنگ رابسته اید و سگها را کشوده اید<.

ایجاد تکلیف

وانگهی نامه هشدار برای گروهی از ایرانیان که اعلیحضرت را در مقام تاریخی و در جایگاه نماد ملی میدانند ایجاد تکلیف میکند که در مقابل اتهام دشمنی با موجودیت ایران ساکت نمانند. این قاعده اخلاقی است، که در مقابل حمله دشمن به دوست، باید به حمایت از دوست برخاست. پادشاه ناموس ملی است، پرچمدار هویت ملی و موجودیت کشور است وقتی در مقام تعرض قرار میگیرد مردان با غیرت همانطور که از ناموسشان دفاع میکنند باید از شاهشان دفاع کنند.

سنگ بزرگ علامت نزدن است

امید دانا مدعی است که چون اعلیحضرت اعتنائی به آن نامه ندارند و سکوت کرده اند و چند روزی هم گذشته پس نامه درست و اصیل است. خیر چنین نیست خیلی از جواب ندادن ها ممکن است به علت فساد در شخصیت نویسنده نامه باشد، نامه ای که از همه خطوط آن آثار خشم و دشمنی و غرور و نخوت میبارد و حتی نویسنده آنهم معلوم نیست چه جوابی دارد؟ **جواب ابلهان خاموشی است را برای همین موارد گفته اند.**

وانگهی نامه ای که صاحب نامه، طرف نامه را دشمن موجودیت ایران میداند، هر نوع تماس و یا جوابگویی به صاحب نامه، تائید ضمنی متن نامه محسوب است الا اعتراض که آنهم باید به مقامات صالحه باشد نه خود صاحب نامه.

مصادره به مطلوب

➡ مصادره به مطلوب، به معنای این است که چیزی را که باید اثبات شود، اثبات شده فرض شود؛ و از آن، نتایج دلخواه گرفته شود. نامه هشدار در مسیر مصادره به مطلوب حرکت کرده است و از مسائلی ثابت نشده و توجه آنها هم به شخص متهم احراز نگردیده و متهم نامه مشخص نیست* حکم محکومیت صادر کرده است؛ درست قضیه بهانه گرگ و میش در استفاده از آب رودخانه.

* متهم نامه کیست

شاهزادگی یک سمت و یا عنوان قانونی نیست، بنابراین توجه اتهام متوجه رضایپهلوی، در موقعیت یک شهروند عادی است؟ عناوینی که در نامه بکار رفته هیچیک نام هویتی شخص مشخصی نیست و مفهوم نامه توجه اتهام رابه شخصی بنام شاهزاده رضا پهلوی میداند. در اینحال تمام اظهار نظرهایی که در رابطه با استقلال و تمامیت ارضی و حتی حاکمیت ملی از سوی شخص رضا پهلوی شده، حالت نظر و نظریه را داشته که ضمن اینکه نظراست بنابراین ایجاد مسئولیت نمیکند، اساسا در حواشی آزادی عقیده و بیایان است چنانکه بسیاری از ایرانیان سعی دارند که نظرات خودشان را در مورد تجزیه ایران حق نشان بدهند بنابراین تعرض به یک شهروند ایرانی مشخص، نادیده گرفتن فعالیت های تجزیه طلبی دیگران بوده و میتواند امری حساب شده منظور شود. زیرا ماهیت اعتراض مزبور متوجه فعل است نه فاعل و هرکه صاحب و عامل فعل باشد در معرض اعتراض و یا اتهام قرار خواهد گرفت و این استثنا پذیری مولد غرض و اهداف خاص است.

➡ در این مقوله اگر اعلیحضرت رضا شاه دوم، متصدی سلطنت ایران شناخته شوند که شناخته میشوند، حسب قانون اساسی مشروطه اظهاراتشان فاقد مسئولیت است و تازمانی که به تائید وزیر مربوطه نرسد فقط حرف است.^۲

خطا امری عام است

➡ آری اظهارات نه چندان لازم و بیل ناسازگار از سوی یک شهروند عادی و یا حتی یک شخصیت فوق العاده که همه چشمها و امیدها به اوست متضمن نگرانی ها و ضایعات و آشفتگی های ملی است. گانادی در این مورد سخن قاطعی دارد گفته است:

^۲ - ای کاش این نکته های حقوقی را که بسیار هم ساده و به زبان ساده است را این مدعیان درک بکنند و تفاوتی بین «شاهزاده» و «رضا پهلوی» در مقام شهروند با «اعلیحضرت» را درک بکنند. ح-ک

>انهائی که هر روز میبینی و مراوده میکنی همه انسانند و دارای خصوصیات یکسان با اندکی متفاوت ولی همگی جانز الاخطا هستند<.

ولی آنچه که مهم است وجود قصد و اراده و علم به اثرات و نتایج اظهارات است؛ والا خطا و اشتباه و یا ندانمکاری خصوصیتی نیست که بتواند جایگزین قصد و اراده گردد و در هر حال مجازات یک خطا اگر هم ثابت شود محکومیت به دشمنی با موجودیت ایران نیست. اینها نشانه کینه توزی و بهانه سازی است آیا ثابت شده است که اظهارات اعلیحضرت در مقام یک شهروند عادی بر اساس قصد برباد دادن استقلال ایران بوده است؟ چه کسی و چگونه اثبات شده است؟ که نامه هشدار به صدور حکم آنهم چه حکمی مبادرت کرده است؟

تأثیر حکم نامه هشدار

تأثیر حکم نامه هشدار مبنی بر دشمنی شاهزاده رضا پهلوی!! با موجودیت ایران برای کسانی که نامه هشدار را تأیید میکنند حد اقل آن، محرومیت اعلیحضرت از هرگونه فعالیت سیاسی است تا اجرای حکم.

آیا همه کسانی که آن نامه را تأیید کرده اند هدفشان همین بوده است؟ تصور نمیکنم. نا آگاهی به تصمیمات و اثرات کارها چندان آشکار نیست، و بعد از ورود فساد کم، کم آشکار میشود؛ ولی اصرار دفاع از آن نامه که غیرقابل تفکیک است و محکومیت اعلیحضرت را به دشمنی با موجودیت ایران اعلام کرده موضوع دیگری است. نمیتوانم قبول کنم که به کسی اتهام دشمنی با موجودیت ایران داده شود. این اتهام در مقابل اتهامات خیانت، جنایت، بی ناموسی، دزدی، اعمال غیرقانونی و تجاوز به جان و ناموس غیر و امثال آنها دریا در مقابل قطره است.

عزل و نصب

◀ امید دانا گفته است: > امضا کنندگان این نامه در مقامی نیستند که عزل و نصب کنند<.

عجب؟ ولی در مقامی هستند که حکم دشمنی با موجودیت ایران را نسبت به متصدی سلطنت ایران صادر کنند؟؟ و خود امید دانا سلب صلاحیت از کسی کند که سنت پادشاهی کهن ایران و قانون اساسی مشروطه به صلاحیت او حکم داده است؟ وای از آفت خود بزرگ بینی.

بیانیه تاریخی

◀ زیاده روی در خودخواهی را ببینید. ادعا شده که بیانیه، آنقدر قوی است که در تاریخ خواهد ماند، آری، همه چیز در تاریخ باقی خواهد ماند حتی همین حکم محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران و نام ایرانیانی که به این حکم بی اعتبار سعی میکنند اعتبار بدهند؛ همان اظهارات خود پسرندانه امید دانا که گفت عقلمون اجازه حمایت تأیید از ایشان (اعلیحضرت) را نمیدهد.

همه چیز در تاریخ باقی خواهد ماند، چنانکه روزی که منوچهر گنجی پدر همین خانم رکسانا گنجی که مدعی است از سن ۱۷ سالگی بهوا داری سلطنت فعالیت داشته شاهنشاه ایران را دزد و علیاحضرت را

فاحشه نامید هم ثابت در تاریخ هست؛ و خانم رکسانا گنجی که اینطور سنگ به سینه میزند، هم هیچگاه از پدرش نخواست که از این جسارت و اتهام عذرخواهی کند <مرگ خوبست برای همسایه>.

علاوه بر اینکه همه این رویدادها ثابت در تاریخ میشود، تاریخ نگار این اظهار نظر را هم خواهد کرد که برخی از ایرانیان، بی عاطفه ترین و دورو ترین مردم روزگارند، چنانکه کسانی که فرزند شاهنشاه ایران سبب شدند تا آنها مخفیانه از جمهوری اسلامی خارج شوند و جانشان را نجات بدهند، همان ناجی خودشان را به دشمنی با موجودیت ایران متهم کردند و اصرار در حفظ این اتهام را هم دارند.

وای از این مردان آلوده به بخل هرکه را دستش گرفتم دشمن دیرینه شد

حاشیه ای درباره ارباب آقای مصطفی عرب

امروز حدود دوساعت آقای مصطفی عرب مدیر مجله پژوهش با تلفن، بنده رامستفیض کردند ولی عدم توجه ایشان نسبت به نامه هشدار خاصه قسمت آخرنامه که اعلیحضرت متهم به دشمنی با موجودیت ایران شده برای بنده غیرمترقبه بود؛ زیرا عقیده داشتند که چون ایشان (خطاب ایشان اعلیحضرت و گاهی هم رضاشاه دوم بود) برخلاف اصول ملی عمل کرده اند پس خائن و دشمن ایران هستند و باید گنار گذاشته شوند.

هرچه توضیح دادم، البته که اعلیحضرت برخلاف اصول ملی که در قانون اساسی مقرر شده و تکلیف ایشان است عمل کرده اند و صد البته که اظهاراتی برخلاف وحدت ملی و یکپارچگی ایران کرده اند (امضای موافقت نامه خودمختاری کردها با منوچهرگنجی با وساطت تیمرمن آمریکایی یکی از آنهاست که تهیه کنندگان نامه هشدار از آن بی اطلاع بوده اند)^۳ ولی با اینهمه اتهام دشمنی با موجودیت ایران اتهامی سنگین و نامناسب و غیرقابل قبول است و با چنین اتهامی ایشان از هرگونه فعالیت سیاسی برای نجات کشورش ممنوع و محروم خواهد شد، خاصه به اینکه ما در مقامی نیستیم که چنین اتهامی را به کسی وارد کنیم تا چه رسد که طرف را اعلیحضرت رضاشاه دوم هم بدانیم.^۴

ولی ایشان عقیده داشت که ما حق این عمل را داریم، زیرا ۳۷ سال است که ایشان به تذکراتی که گرفته اند عمل نکرده اند و باید کنار گذاشته شوند. با آنکه؛ عرض کردم که انتظار اینکه ایشان به پیشنهادات ما سلطنت طلبان عمل کنند انتظار موجهی نیست، و حد ما در انتظار از ایشان همان صراحت قانون اساسی است؛ ولی قانع نشدند که بنده هم عرض کردم خوب کنار گذاشتید چه جایش خواهید گذاشت؟. ایشان در این مورد عقیده داشتند، همانطور مادری که فوت میکند بالاخره کسی پیدا میشود که از فرزند او نگهداری کند وضع پادشاهی ایران هم همانجور خواهد شد.

^۳ - بارها در گذشته در سنگر و در ایمیل جاوید ایران به موضوع پرداخته شده است و آثار آن در سایت ۱۴۰۰ سال موجود است.
^۴ - داشتن نشریه و یا سامانه پژوهشگری و دادن نام های گمراه کننده دلیل بر دانش اشخاص نیست درکی که از موقعیت اجتماعی و همگانی دارند نشان دانش و تسلط اشخاص است. ح-ک

آقای مصطفی عرب سخت اصرار داشت که ایشان (علیحضرت) به علت خیانت به اصول ملی باید کنار گذاشته شود و بعد هم مثال تیم فوتبال را آوردند که وقتی تیمی مرتبا گل میخورد باید کاپیتان تیم را عوض کرد.^۵

بنده؛ عرض کردم که سلطنت و تداوم آن که با فرهنگ و باورهای کهن ایران جوش خورده است قابل مقایسه با تیم فوتبال نیست، تیم فوتبال جانشینش فراوان است، ولی در مورد علیحضرت خیر و بسیار توضیح دادم؛ با آنکه نور سلطنت بسیار کم فروغ و در واقع غیرقابل استفاده است ولی این نور ضعیف باید حفظ گردد و اگر خاموش شود آنهم بدست ما سلطنت طلبان تداوم مشروعیت سلطنت قطع شده است، و مبارزه، از فلسفه، سلطنت خلع سلاح میشود ولی ایشان همچنین اصرار بر کنار گذاشتن علیحضرت داشتند. (منطق را ببینید!)

چیزی که برای من ایجاد مشکل در آن صحبت ها میکرد این بود که ایشان از مسائل مبتلابه مبارزه مانند؛ طرح هنری برشت و کیفیت ابلاغ آن به شاهنشاه در مکزیک، و اکنش علیاحضرت، اعلام وزارت خارجه آمریکا که انتقال سلطنت را دولت آمریکا به ولیعهد قبول ندارد، محظورات ایجاد شده پیامد آن طرح و مسائل مشابه و تحریرات مفصل در این مورد اصلا اطلاعی نداشتند، و درخواست کردند که برایشان ارسال شود.^۶

براستی، هرگاه در تحریرات، لازم میشود که نامی از طرح هنری برشت به میان آید از تکرار آن احساس ضایعه تکرار مکررات میکنم درحالی که شاید ده ها بار طرح مزبور مورد نقد و بحث و ارائه اسناد شده است، و اگر افرادی که اهل تحقیق و متصدی انتشارات هم هستند از آن بی اطلاع باشند لابد یک جای کار ناقص است و تکرار آنهم بی ثمر!!

برای بنده بسیار مشکل بود و هست که با حال نامساعدی که دارم به توضیح آن مواردی که موثر در تشخیص علت کوتاهی ویا تندرستی علیحضرت در برخی موارد است بپردازم، یعنی برویم به سالهای نخست و لااقل سی ساله مبارزه <عمرنوح میخاهد و همت والا> دریغا که من از هردوی آنها محروم.

^۵ - کاپیتان تیم بازی خودش را میکند و هریک از بازیکنان مسئولیت خودشان را دارند، آنجا که بازی کنان کاپیتان تیم را تحویل نمیگیرند و پاس کاری و همکاری همگانی نیست، و تقصیر باخت تیم متوجه تک تک بازیکنان . عدم همکاری تیمی است و تک تک بازیکنان بد بازی میکنند اخراج کاپیتان نهایت خلافت عقل و خلاف اصول دموکراسی و رفتار تیمی است. آقای عرب پس از سالها بازی در تیم فوتبال هنوز به اصول بازی تیمی آشناییست ویا تظاهر میکند. پاسخ ایشان ناشی از فکر دیکتاتوری است نه بازی تیمی. البته سیاست با بازی تیمی فوتبال یا والیبال فرق دارد و قوانین بازی سیاسی با قوانین بازی ها بسکلی متفاوت است. هرکدام را بایستی در قالب قوانین خودشان بررسی کرد. ح-ک

^۶ - آقای مصطفی عرب در لیست جاوید ایران بودند و بارها مسئله بازدارندگی آمریکایی ها و مورد طرح هنری برشت در نوشته های استاد امیرفیض، از جاوید ایران پخش شده است و در یکی دو مورد آغازین انتقاد از «هشدار» موضوع دوباره مطرح شده است و آقای عربی به آن بی توجه بوده اند. توجه به موضوعی خواست شخصی است و نمیتوان به زور به کسی تحمیل کرد. در پی اعتراض و انتقاد به [هشدار] آقای عرب درخواست کرد از لیست ایمیل جاوید ایران خارج شود. عدم آگاهی پیگیری و ممارست و خواندن و پیگیری خواندن میخاهد. کسی که قهر کند و گوشه نشینی کند شاگرد تنبل کلاس میشود و نمره ردی می آورد. - برای آگاهی آقای مصطفی عرب دست چینی از نوشته های اخیر که در سایت ۱۴۰۰ موجود است:

<http://1400years.org/AmirFeyz/OsoulMafghudDarHoshdar-10-AmirFeyz-10Sep2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/KhaleValiahd-BahmanZahedi-Dana-AmirFeyz-25Aug2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/SahnehSaziDarGhaziehParsaKhosravi-2-AmirFeyz-19Aug2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/ShahedeMozouRouDastTadavomSaltanat2-AmirFeyz-29May2016.pdf>

آقای مصطفی عرب در مورد حکم محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران نظری داشتند که شاید در فرصتی در ردیف همین تحریرات لازم به توضیح شود.



افزون به زیر نویس بالا برای آگاهی آقای مصطفی عرب و کسانی که به طرح هنری برشت بی توجه بوده اند:

<http://1400years.org/AmirFeyz/ShahedeMozouRouDastTadavomSaltanat2-AmirFeyz-29May2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/RodastTadavomeSaltanatVaGhanoon-AmirFeyz-26May2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/SharmKonim-AmirFeyz-26May2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/DarTaaidNesbatTarafdariRPIsrael-AmirFeyz-17May2016.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/ZanouyehChehKonamShahramHomayoun-%D9%8EAmirFeyz-17Jun2015.pdf>

این لیست تنها مشتی نمونه خروار است که در نوشته های استاد امیرفیض به مسئله طرح هنری برشت اشاره شده است. سایت ۱۴۰۰ سال در این رابطه به اندازه یک جزوه کامل در اینباره نوشته های جامع دارد.

پس از آنهمه کسی از طرح هنری برشت اظهار نا آگاهی بکند بایستی چیزی در جایی لنگ باشد..

چون نیک نظر کرد و پر خویش در آن دید گفتا ز که نالیم از ماست که برماست.

ح-ک